

آزادی و عدالت در اسلام مکمل یکدیگر هستند

یک عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه در غرب مدرنیستی در یک شاخه به آزادی بها می دهند که لیبرالیسم زائیده آن است...



یک استاد دانشگاه تهران :

آزادی و عدالت در اسلام مکمل یکدیگر هستند

یک عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان اینکه در غرب مدرنیستی در یک شاخه به آزادی بها می دهند که لیبرالیسم زائیده آن است و در شاخه دیگر و متعارض به عدالت و برابری اهمیت می دهند که سوسیالیسم محصول آن است گفت: در حالی که اسلام این دو را جدا از هم نمی داند و در اسلام نه تنها این دو لازم و ملزوم یکدیگرند بلکه مکمل همدیگر هم هستند. دکتر علیرضا صدرا، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد اینکه آیا فیلسوفان اسلامی در خصوص مفهوم عدالت نظریه پردازی جامعی کرده اند گفت: عدالت یکی از اصول اساسی اسلام به خصوص در شیعه بوده که در آن به عنوان یکی از اصول اساسی پنگانه مذهب محسوب می شود. در این خصوص مفصل نظریه ارائه شده است.

وی افزود: در عدالت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی اعم از اعتدال، تعادل و عدل غالباً نظری ارایه شده است ولی برای نمونه و به صورت برجسته خواجه نصیر الدین طوسی که در اخلاق ناصری طرح و تدوین کرده نظریه جامعی ارائه داده که می تواند بسیار روز آمد و کارآمد باشد. چرا که هم بخش اقتصادی، بخش سیاسی و بخش عدالت و نیز چه بعد و ساحت مادی و بعد و ساحت معنوی و اخلاقی عدالت و همینطور چه عدالت درونی و نیز عدالت بیرونی و در گستره های فردی، جمعی تا اجتماعی را فراگرفته و فرا می نمایند. بالاخص از حیث اقتصادی و سیاست اقتصادی که بیشتر و به تعبیری پیشتر این معنا از عدالت مد نظر قرار می گیرد نظریه ارائه داده است. این نظریه جامع هم نقاط قوت نظریاتی را دارد که به اصطلاح بر عدالت و تساوی ولو نسبی شرایط تاکید داشته و هم و در عین حال و به صورت توأمان بر آزادی فردی و انگیزش و رقابت تحت عنوان آزادی تأکید می کند و به نوعی آن را عدالت می داند.

این محقق و استاد دانشگاه در ادامه سخنانش بیان کرد: هم خواجه عدالت را فراهم کردن شرایط مساوی و برابر اولیه زندگی، سلامت و آموزش و کار تحت عنوان خیرات عامه ولو حداقلی برای کار و تلاش می داند که توسط دولت و جامعه بایستی برای همگان فراهم گردد. این همان شاه بیت و نقاط قوت نظریات و نظامات را دارد که بیشتر امروز به عنوان سوسیالیسم مدعی بوده و مطرح است. بر این اساس و تا این حد عدالت را برابری در برخورداری ها از امکانات به منظور تربیت نیروی کارا می داند. خواجه از این نظر معتقد است که عدالت عبارت است از اینکه در حداقل ها که از آن به همان خیرات عامه یعنی همگانی و یا خیرات مشترک تعبیر می کند باید گونه ای باشد که همه مردم از آن خیرات مشترک و مواهب عمومی اقتصادی و اجتماعی که حداقل ها است به صورت برابر برخوردار باشند و در عین حال شرایط برای کسانی که می خواند تلاش و تدبیر بیشتری کنند نیز فراهم باشد.

صدرا با بیان اینکه تلاش و تدبیر افراد را اصطلاحاً امروزه کارانه تعبیر می کنیم یعنی فراتر از حداقل ها و حد تساوی بتوان تلاش و کوشش کرد و انگیزه داشت و به همان سبب و میزان در توسعه جامعه مؤثر شد تا از مواهب آن خودشان و خانواده شان هم برخوردار شوند. بدین ترتیب برخورداری از خیرات عامه و مشترک و برابری همگانی در آن، سبب توانمند سازی و یا سیاست حمایتی بوده و موجب و محرک کارایی نیروهای انسانی و مانع تبعیض و شکاف شکننده در جامعه می گردد. بدانسان که امروزه در نظام های سرمایه سالاری تحت عنوان سلطه یک درصد بر نود و نه درصد شاهد آنیم. دیگری یعنی آزادی و انگیزش اقتصادی، رقابت سالم و سازنده فردی نیز مانع ایستایی و عدم انگیزش و عدم رقابت و حتی ریسک پذیری و بسان این ها بوده و مشوق و موجد حرکت و سازندگی است. بدینسان نگاه، نظام و نظریه عدالت اسلامی امثال خواجه نصیر، تمامی وجوه و نقاط کارآمد و سازنده دغدغه ها و داعیه های هر دو جریان آزادی و عدالت اقتصادی رهیافت های سوسیالیسم و لیبرالیسم و به اصطلاح چپ و راست عدالت گرایانه و آزادیخواهانه را داراست و از جهات ضعف و اشکالات ناکارآمدی اعم از عدم بهره وری و عدم اثربخشی آنها را نداشته و ندارد. مشروط به تبیین علمی درست و روزآمد، ترسیم دقیق راهبردی و کارآمد و تحقق عینی بهینه و بسامان هرچه فراتر.

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه اساس نظریه پردازی در خصوص عدالت در قرآن و سنت از جمله نهج البلاغه آمده است گفت: برای نمونه و در حد اشارت «بضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم"(اعراف/7؛ 157) چه بسا مبین همین دو امر و توأمانی این دو با هم باشد. یکی برداشتن اصر یعنی رفع ناتوانی و توانمند سازی و ایجاد شرایط یا فراهمی عوامل و عدالت اولیه و نسبی بوده و دیگری برداشتن غل یا زنجیر یعنی رفع مانع و آزادسازی است. امیر المؤمنین(ع) نیز در این راستا دو تعبیر از عدالت دارد یکی عدالت را عبارت از هر چیزی که حقش و استعداد را دارد به آن برسد و تعبیر دوم این است که هر کسی و هر چیزی در جای خودش و به تناسب استحقاقش قرار بگیرد. این دو مطلب پایه عدالت در اسلام هستند که دانشمندان اسلامی در این رابطه نظریات

کارامدی ارائه داده اند. از جمله همین خواجه نصیر که هم فیلسوف و متکلم است و بحث نظری راجع عدالت داشته و هم مفسر است که نظریه عدالت فقهی و حقوقی و قانونی را در آثار و آراء گوناگون خود ارائه داده است. بویژه اینکه با مبانی عدالت طلبانه شیعی به ترسیم راهبردی عدالت پرداخته اند. و به سبب آشنایی با شرایط ایران متناسب با آن و به منظور گذار از بحران مغول زدگی که بی شبهات به امروزه نبوده با نگاه کارامدی به طرح نظریه عدالت پرداخته اند. و همچنین خود کارگزار سیاسی و اجرایی کارا بوده است. و بدین ترتیب موفق شده است کشور مغول زده ای را تبدیل به تمدن مغولی نموده که تاسیس و مدیریت رصدخانه مراغه در اوج تاریکی آنزمان نمونه و نماد آنست.

وی تأکید کرد: لذا خواجه راهبردی علمی نظری و کاربردی کارامد ارائه می دهد که امروزه هم قابل روزآمدسازی و اجرا است. دیگر دانشمندان هم کم نیستند که در زمینه عدالت نظر داده اند. هم پیشا اسلام افرادی مانند افلاطون و ارسطو و سقراط و هم پس از خواجه نصیر تا حالا در ابعاد گوناگون عدالت طرح نظر کرده اند. البته امروز لازم است این نظریات متناسب با نیاز روز بازنگری و بازآوری شوند و نظریه جامعی از برآیند آنها، استنباط و استخراج بشود و اساس کار قرار بگیرد. عدالت متعالی قرآنی و اسلامی در حکمت و فقه متعالی از صدرا و خاتم فقههای انصاری تا حضرت امام خمینی(ره)برترین منبع و مبنا در این راستا بوده و می تواند باشد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران درباره اینکه در مقایسه با مفهوم آزادی، فلاسفه اسلامی بر تقدم عدالت بر آزادی تأکید دارند یا برعکس هم تصریح کرد: اساساً عدالت و آزادی دو مفهومی و بلکه دو پدیده و حتی دو وجوه یک پدیده هستند که لازم و ملزوم یکدیگرند. این ها مکمل همدیگر بوده و حتی هم افزایشند. برخلاف نگاه تنازعی طبیعی مدرنیسم که این دو متعارض بوده و قابل جمع نمی باشند، در نگاه و نظریه و نظام سیاسی توحیدی دو ساحتی متعادل و متعالی اسلامی همانگونه که اشارت شد این دو نه تنها قابل جمع بوده بلکه لازمست به صورت توأمان باشند. طرح سوال از تقدم یا اصالت این یا آن بسان طرح تقدم و اصالت مثلاً چشم یعنی دیده یا نور یعنی روشنایی در دیدن و رؤیت اشیاء در شب و در تاریکیست.

وی افزود: هر دوی هم چشم و هم روشنایی به صورت با هم مورد نیازند و تعارضی نیز با هم ندارند. بدانسان که اشاره شد در قرآن داریم که رسالت انبیا برای توانمند سازی با ایجاد عوامل و شرایط که همان عدالت است همراه بوده است. عدالت در این صورت یعنی آزادی مثبت و آزادی اثباتی، اما وظیفه دیگر انبیا این بوده که اغلال یعنی موانع رشد را بردارند. چه موانعی که پاگیر هستند که از آن به غل و زنجیر یاد می کند چه موانعی که از رشد جلوگیری می کنند، آزادی منفی همین آزادی به معنای متعارف است یعنی یکی برداشت موانع برای حرکت انسان ها و گروه ها و و جوامع بوده یعنی آزادی سلبی و منفی و در عین حال و به صورت توأمان آزادی مثبت که همان عدالت یعنی ایجاد شرایط برابر و متناسب است.

صدرا تصریح کرد: جمع میان استعداد و توانمندسازی یعنی کاراسازی با استحقاق و کارایی است. البته تقدم برداشتن اصر بر برداشتن اغلال در آیه یعنی رفع ضعف بر برداشتن موانع رشد می تواند حاوی و محتوی ظرافت های بسیاری باشد. بنابراین اساساً دولت ها و حکومت ها باید دو کار هم انجام دهند. یکی فراهم کردن شرایط برابر که همان توانمند سازی بسان آموزش و امکان اشتغال یعنی کارا سازی است مانند بال دادن به پرنده برای پرواز و یکی آزاد سازی از قفس و رفع موانع که آزادی است. کار، کارایی نیروها و کارامدی نهادها و نظام، چه از حیث اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مرهون این آمیزه بهینه و باسامان از این آموزه ها اعم از انگیزش و امکان بوده و توسعه کشور و تجدید و تاسیس تمدن رهین آنست. نه این که به تعبیر سعدی؛

یکی باز بال دیده بر دوخته یکی دیده ها باز پر سوخته

وی افزود: آزادی و عدالت هیچ گاه از هم جدا نیستند لازم و ملزوم یکدیگرند کما این که در رانندگی در جاده هم باید آزاد باشیم هم اعتدال داشته باشیم یعنی قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت کنیم. رشد یک درخت نیز مرهون آزادی یعنی فقدان مانع و وجود عوامل و بویژه اعتدال و تعادل است. در غیر اینصورت یا رشد نکرده و یا می شکند.

این محقق و استاد دانشگاه در پایان سخنانش بیان کرد: در غرب کنونی یکی به آزادی بها می دهند که لیبرالیسم زائیده آن است که فرای تبعیض و شکاف بین مللی و حتی ملی و استعمار ناشی از آن عملاً به ضد آزادی تبدیل می گردد. و دیگری ادعای عدالت و برابری و اصالت آن که سوسیالیسم محصول آن است. و عملاً به توزیع فقر کشیده و ضد عدالت عمل می کند. در حالی که اسلام ایندو را جدا از هم نمی داند و اسلام نه تنها ایندو لازم و ملزوم یکدیگرند بلکه مکمل همدیگر و هم افزایندهم هستند. این نگاه، نظریه و نظام توحیدی دو ساحتی میانه یعنی متعادل و متعالی اسلام است. که از سویی بایسته و شایسته تبیین، ترسیم و تحقق روزآمد و کارامد می باشد. از دیگر سو شایسته و بایسته است کشور بر این اساس مستمرا مهندسی، مدیریت راهبردی و آسیب شناسی و آسیب زدایی گردد. تنها و تنها در این صورت می توان با کارامدی هرچه فراتر به اهداف والا ولی کاملاً دست یافتنی توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی چشم انداز نظام سیاسی نوین، نمونه و الهام بخش و اثربخش جمهوری اسلامی دست یافت. چالش ارتقای کارامدی فراروی و چشم انداز فراز آینده توسعه متعالی کشور که می تواند پیش درآمد پیش درآمد تجدید و تاسیس تمدن نوآمد ایرانی-اسلامی بوده و باشد. انشاء الله

